



رفتن یک جوان به سمت جبهه و محل خطر، فقط مجاهدت او نیست؛ خود او به جبهه می‌رود، مدتی جهاد میکند و به شهادت می‌رسد. مجاهدت او تمام شد؛ اما مجاهدت آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که شکایت نمیکنند، اینها که این را پای خدا محاسبه میکنند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه مجاهدت را دربین بقیه مردم ادامه میدهند، اینها مجاهدت میکنند.

خطبه اول



مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در یک بیان‌شان تصویر زیبایی از آرزو دارند و می‌فرمایند: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنِسٌ»^۲ امام علی علیه السلام: «آرزو، رفیقی همدم است». آرزو، یک رفیق و دوست و همراهی است که انسان با او انس می‌گیرد. اگر در درون وجود خودتان کاملاً بنگرید، محسوس و روشن است که با آرزو زندگی می‌کنید، با آرزو کار می‌کنید، با آرزو از خواب برمی‌خیزید، با آرزو راه می‌افتید. این رفیق مؤنس، به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، همراه انسان است.

منتها در زندگی ما، آرزوها گاه در تضاد با یکدیگرند. بعضی چیزها را ما در زندگانی مادی خودمان و در گذران روزمره عمرمان آرزو می‌کنیم که با آرزوهای معنوی ما نمی‌سازند. حتی در خود آرزوهای مادی هم تضاد وجود دارد. یعنی یک طرف، یک نقطه بالای خوش‌گذرانی و لذت برای یک جوان مورد آرزو قرار می‌گیرد و رسیدن به یک اوجی از قدرت و مقام هم مورد آرزو قرار می‌گیرد. اگر بخواهد به آن قدرت و مقام برسد، باید از این شهوت و لذت بگذرد و اگر بخواهد به لذت و شهوت برسد، باید از آن مقام و قدرت بگذرد. پس بنابراین، آرزوهای ما در تضاد با یکدیگر قرار دارند. این ما هستیم که باید در این تضاد آرزوها، آرزویی را که اصلح و مناسب‌تر برای ماست، انتخاب کنیم.

برادران و خواهران، اگر همه بدبخت‌های دنیا را واکاوی کنید، اگر تمام افراد مفلوک جهان را بررسی کنید، همه اینهایی که بیچاره شدند، بدبخت شدند، دچار خودکشی‌ها، دچار افسردگی‌ها، دچار شکست‌های فاحش در زندگی شدند، عاملش «انتخاب بد آرزو» بوده است. یا آرزوی بد را انتخاب کردند، یا در تضاد آرزوها،

الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمةً للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجّة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه...

بهره گیر از آموزه‌های فاطمه علیها السلام

ایام فاطمیه است، ارزشمندترین سخن و کلام در این ایام، بهره‌برداری از آموزه‌های فاطمی در زندگانی روزمره ما و در سبک زندگی اسلامی و در مقام عبودیت و بندگی ذات مقدس پروردگار است. از جمله آموزه‌های فاطمی که باید همه ما در نظر داشته باشیم، مخصوصاً برادران و خواهران جوان، «مهندسی آرزوها» است. مهندسی آرزوها در زندگی، یک برنامه بسیار لازم و ضروری است که اگر آرزوهای انسان در زندگی مهندسی نشود، بدبختی‌های زیادی برای بشر در عرصه حیات به وجود خواهد آمد.

زندگی جای آرزو است و آرزو از ضروریات زندگی است؛ بشر بدون آرزو نمی‌تواند زندگی کند. وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي، وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا أُرْضِعَتْ الْوَلَدَةُ وَلَدَهَا، وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا»^۱

فرمودند: «آرزوها رحمت امت من است. برای امت من آرزو رحمت است. اگر آرزو نباشد، هیچ مادری فرزند خودش را شیر نمی‌دهد و اگر آرزو نباشد، هیچ نهالکاری نهالی را غرس نمی‌کند».

تمام افعالی که ما انجام می‌دهیم و فعالیت‌ها و حرکات مختلف در عرصه زندگی، مبتنی بر آرزوهایی است که به امید تحقق آنها در درون ما وجود دارد.

منتها این آرزوها گاه در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند.



یک گوسفند چه تفاوتی دارم؟ گوسفند هم آرزو دارد در یک مرغزار سبز و خرمی بچرد. اگر من آرزو کنم شهواتم بهتر تأمین شود، با یک جانور و درنده چه تفاوتی دارم؟ او هم دنبال همین است. مناسب‌سازی آرزو با حیوانیت خودش است.

و لذا انسان باید آرزوی مناسب با انسانیتش را انتخاب کند و در تضاد آرزوها، این آرزو را مهندسی کند.

ماجرای عبرت‌آموز از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

پس مهندسی آرزوها یک چیز لازم برای زندگی است. اما آنچه از آموزه فاطمی (علیها السلام) در این مورد برای ما حاصل می‌شود، این است که وجود مقدس زهرا (اطهر علیها السلام) یک روز به خدمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) عرض کردند: «پدر! دلم یک انگشتر یاقوت می‌خواهد. از شما می‌خواهم یک انگشتر یاقوت برای من فراهم کنید». پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «زهرا! من! تو مستجاب‌الدعوه هستی. من که الان یاقوتی در اختیار ندارم، از خدا بخواه، خدا برای تو خواسته‌ات را برآورده می‌کند». صدیقه اطهر (علیها السلام) دو رکعت نماز خواندند و از خدا طلب یک انگشتر یاقوت کردند. در حال سجده، حالتی نیمه‌خواب به حضرت دست داد. کسی به حضرت صدا زد: «خواستۀ شما زیر سجاده شماست». سر از سجده برداشت، یک انگشتر یاقوت، اما یاقوت معمولی نبود؛ یاقوتی که نور و درخشش آن، فضای اتاق تاریک را روشن کرده بود. چنین یاقوتی دیده نشده بود. این در زیر سجاده آماده بود. صدیقه اطهر (علیها السلام) خوشحال شدند، اما خوشحالی حضرت نه از انگشتر یاقوت بود، بلکه از این بود که به مقام قرب به جایی رسیده بودند که آنچه مطالبه کنند، بهترینش برای حضرت فراهم می‌شود.

آرزوی خوب را کنار گذاشتند. نتیجه انتخاب آرزوی بد، این ذلت، این نکبت و این فلاکت در زندگی آن‌هاست. برادران جوان، خواهان جوان! جوانی عرصه رشد و تبلور

نهی شدن از «طول الأمل»

و فوران آرزوهاست. آرزو برای ما لازم است. البته آنچه در شرع مقدس نهی شده، خود آرزو نیست، «طول الأمل» است. آرزوی دراز چیست؟ یک جوان در ابتدای زندگی آرزو دارد به یک قدرت و ثروت برسد و با همین آرزو زندگی کند، بالا بیايد. دوران میان‌سالی همین آرزو را ادامه دهد، دوران پیری و فرتوتی هم باز در آرزوی مقام و قدرت و پول و ثروت باشد. این می‌شود آرزوی دراز، «طول الأمل».

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ، وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ.»^۳

ای مردم، دو چیز است که بیش از هر موضوع دیگر از گرفتاری شما به آنها نگران و بیمناکم: یکی تبعیت از هوی و هوس و دیگر آرزوی دور و دراز، زیرا پیروی از هوس‌ها مانع - اجرا و عمل به - حق می‌شود و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد.

ترسناک‌ترین و وحشتناک‌ترین چیزی که من بر شما بیمناکم، دو چیز است: یکی پیروی از هوای نفس و دیگری آرزوی دراز و «طول الأمل». آرزوی دراز از همان انتخاب بد آرزو برای انسان پیش می‌آید. از اول آرزوی بدی انتخاب کرده، همان را ادامه می‌دهد.

وجود مقدس امام سجاد (علیه السلام) در یک دعایی می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ... أَسْأَلُكَ... مِنَ الْأَمَالِ أَوْفَقَهَا.»^۴
به خدا عرضه می‌دارند: «خدایا! من از آرزوهایم، مناسب‌ترینش را از تو سؤال می‌کنم».

مناسب‌ترین یعنی چه؟ آرزوهای ما یک سری مناسب با زندگی حیوانی ماست: آرزوی شهوت، آرزوی لذت، آرزوی رفاه، آرزوی خوش‌گذرانی. این‌ها آرزوهای مناسب با حیوانیت انسان است. جنبه حیوانیت و خواسته‌های حیوانی مورد آرزو قرار گرفته. یک سری آرزوها مناسب با انسانیت ماست: رسیدن به اوجی از علم و کمال، پیمودن مسیر عبودیت و بندگی خدا، طی کردن درجات معنوی. این‌ها همه آرزوهایی است که مناسب با انسانیت من است. اگر من بنا شد آرزو کنم غذای خوب بخورم، با

کند. آن تجلی را آرزومندم».

«هر جمیلی که بدیدیم بدو یار شدیم»

«هر جمالی که شنیدیم گرفتار شدیم»

«کبریای حرم حسن تو چون روی نمود»

«چار تکبیر زدیم از همه بیزار شدیم»^۶

هیچ چیز را نمی خواهم، فقط خدا را می خواهم. او برای من تجلی کند. آن روز عظمتش برای من جلوه گر شود. لحظه به لحظه احساس قرب بیشتر نسبت به ساحت مقدس خدا بکنم.

این، مهندسی کردن آرزو است. برادران و خواهران! در زندگی توجه داشته باشیم، آرزوهایمان را جوری مهندسی کنیم که به آن آرزویی که با انسانیت ما مناسب تر است، برسیم و دنبال همان آرزو برویم. فعالیت مان، جدیت مان، حرکت مان به دنبال تحقق همان آرزویی باشد که از همه آرزوهای ما، به تعبیر امام سجاد (علیه السلام)، «أوفق»؛ یعنی مناسب تر با انسانیت ماست.

و اگر بنا شد که مهندسی آرزو در کانون فکر یک جوان، در ابتدای زندگی، فعالیتش را شروع کند، آن هم بر مبنای باورمندی نسبت به خدا، بر مبنای باورمندی نسبت به عبودیت و بندگی خدا، با این معیار، آرزوهای خودش را مهندسی کرد، این سعادتمندترین انسان در زندگانی خودش قرار خواهد گرفت.

خدایا! بر حسب الطاف و عنایات ربوبی و کبریایی خودت، باران رحمت را برای این سرزمین ولایی امام هشتم (علیه السلام) نازل بگردان.

.....

فهرست:

۱. بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث (العلامة المجلسي)، جلد: ۷۴، صفحه: ۱۷۳.
۲. غرر الحکم: ۱۰۴۲.
۳. نهج البلاغه، الخطب: ۴۲.
۴. میزان الحکمه نویسنده: المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، جلد: ۱ صفحه: ۲۱۰.
۵. زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) (ترجمه، جلد ۴۳، بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص ۹۲۳.
۶. فیض کاشانی «دیوان اشعار»، غزلیات، غزل شماره ۶۷۸، ۶۷۹.

آن شب، حضرت در عالم رویا مشاهده کردند که وارد بهشت شدند و به یک کاخ بسیار پرزرق و برق و مجللی رسیدند. تصویرش را هم نداشتند، آنقدر آن کاخ، کاخ زیبایی بود. نگهبانی در کاخ بود. از او پرسیدند:

«این کاخ به چه کسی تعلق دارد؟» گفت: «این کاخ فاطمه زهرا، دختر پیغمبر آخرالزمان (علیه السلام) است». حضرت قدم گذاشتند در میان این اتاق ها و تالارهای بسیار مجلل هر کجا می رفتند، تجهیزات مفصل و امکانات بسیار مجلل بود. تا رسیدند به یک اتاقی. دیدند در این اتاق یک تخته یاقوت، یک تخت یاقوتی با همان درخشش، می درخشد. اما روی سه پایه بود و یک پایه آن شکسته بود. از مأموری که آنجا بود پرسید: «چرا یک پایه شکسته؟» گفت: «صاحب این کاخ از خدا در دنیا یک انگشتر یاقوت خواست. برای آن، یک پایه تخت شکست». زهرای اطهر (علیها السلام) از وحشت، از خواب بیدار شدند و ناراحت شدند.

فردا آمدند خدمت پیغمبر اکرم (علیه السلام)، انگشتر را به ایشان نشان دادند و جریان خواب را بیان کردند. پیغمبر (علیه السلام) تبسمی کردند و فرمودند:

«زهراى من! مگر من نگفته بودم که: ما خلق الله الدنيا لال محمد. مگر نگفته بودم که خدا دنیا را برای آل محمد (علیهم السلام) خلق نکرده است». حضرت زهرا (علیها السلام) عرض کردند: «یا رسول الله! من پشیمانم. این انگشتر را می خواهم چکار کنم. آن تخت سالم بماند، آن زندگی سالم باشد». فرمودند: «تو مستجاب الدعوه ای. برو، دوباره دعا کن، از خدا بخواه، خدا آنرا به جای اولش بر می گرداند». صدیقه (علیها السلام) تشریف آوردند، دو رکعت نماز خواندند، انگشتر را زیر سجاده گذاشتند و از خدا تقاضا کردند که آن را برگرداند. نمازشان تمام شد، سجاده را کنار زدند، انگشتر نبود.

این مهندسی آرزوها است. آرزوها را باید مهندسی کرد. بعد، حضرت زهرا (علیها السلام) خدمت پیغمبر اکرم (علیه السلام) عرضه داشتند: «شغلتنی عن مسئلته لذّه خدمته؛ لا حاجة لی غیر النظر إلی وجهه الکریم»^۵.

پیغمبر (علیه السلام) فرمودند: «پدر! دیگر فقط یک آرزو دارم: به آرزوی لقاء الله برسم، بالا بروم، اوج بگیرم، در دارالسلام بتوانم وجه الله را ببینم. خدای متعال برای من تجلی



خطبه دوم:

ضرورت تحلیل موقعیت امروز کشور

از یک طرف، و باایمان، باشهامت و با قدرت از طرف دیگر است. چنین ثروتی ما در این مملکت داریم: این جوان‌هایی که هم مبتکرند، هم دانشمندند، هم فناورند، هم مجاهد و فداکار و از خود گذشته در راه دین و در راه نظام دینی ما. ثابت کردیم که چنین سرمایه ارزشمندی در این کشور وجود دارد.

و عامل دوم، مسئله مردم است. مردم ما متدینند. چون دین دارند، پای نظام ایستاده‌اند. چون نظام را ضامن اجرای دین خودشان می‌دانند و به این دین وابسته‌اند، مردم به این نظام وابسته‌اند و در عرصه نظام هستند. و چون این خصوصیت هم در مردم و هم در جوان‌های ما وجود دارد، دشمن فهمیده است که با هیچ تجهیزاتی، با هیچ قدرتی، با هیچ توانی بر ما استیلا پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند بر این مملکت مسلط بشود. با این دو سرمایه عظیمی که نظام مقدس اسلامی ما و جامعه ما امروز در این کشور داراست.

لذا سعی می‌کند هر دوتا را تضعیف کند: حضور مردم در عرصه نظام و وابستگی مردم را به نظام تضعیف کند. همان غیرت و مردانگی و جوانمردی و شهامت نسل جوان ما را تا اندازه‌ای در یک سیاهچال شهوترانی‌ها و بی‌بندوباری‌ها دفن کند و از بین ببرد. پس دنبال این است.

آنچه در امروز برای ما قابل توجه است، تحلیل موقعیت خاص امروز ما در این کشور و تحلیل موقعیت خاص کشور است. آنچه ما در ظاهر حس می‌کنیم، با واقعیت متفاوت است. آنچه ما در ظاهر حس می‌کنیم این است که دشمن از یک طرف با تهدید، ما را زیر سایه جنگ نگه داشته تا عمده فعالیت‌های ما، حرکات ابتکاری ما، فناوری‌های ما را متوقف کند. از طرفی هم، کمبودها و ناترازی‌ها، وضعیت داخلی زندگی ما را دچار اضطراب کرده است. ظاهر امر، نسبت به وضعیتی که امروز در کشور با آن خودمان را روبرو می‌بینیم، این است.

اما واقعیت این کشور و واقعیت ما غیر از این است. اما از نظر تهدیدات دشمن، هشت سال دفاع مقدس و جنگ، و همچنین جنگ دوازده روزه، این مطلب را برای دشمن ما وجدانی کرده است که با وجود دو عامل در این کشور، صرف‌نظر از عنایت و امداد الهی، با وجود دو عامل ظاهری و محسوس در این کشور، با هیچ محاسبه‌ای سلطه بر این مردم امکان‌پذیر نیست. آن دو عامل، یکی وجود جوانان فعال، کارآمد، مبتکر و فناور



امروز متأسفانه دشمن از یک طرف با فشارهای اقتصادی، در کشور ما، فشار اقتصادی فقط در مسئله توسعه و رشد اقتصادی و درآمد نیست، مسئله فشار اقتصادی، اقتصاد خانواده‌ها را کاملاً متأثر کرده است. سفره مردم کوچک شده، درآمدها و هزینه‌ها به هم نمی‌رسد. زندگی‌ها با وضع گرانی و نرخ اجناس، تامین شدنی نیست. دارد به زندگی مردم فشار می‌آید. خوب، دشمن حساب می‌کند مردمی که اینقدر تحت فشار از نظر زندگی باشند و روز به روز بر فشار افزوده شود، طبیعی است که دیگر این مردم یک روز دست از این نظام می‌کشند و دیگر مردم بی تفاوت می‌شوند و دنبال تأمین زندگی خودشان می‌روند.

نظاما-لامی ما نیاز به اقتدار دارد

آنچه باید مسئولین ما دقیقاً توجه کنند، این مسئله است: ما امروز در مسائل اقتصادی کشور، مسئله غیرقابل حل نداریم. همه مسائل، مسائل قابل حل است. مسئله آب قابل حل است، مسئله برق قابل حل است، مسئله گاز قابل حل است، مسئله فشارهای اقتصادی و گرانی‌ها و احتکارها قابل حل است. منتها من از مسئولین خواهش می‌کنم: آقا! نظام احتیاج به اقتدار دارد. نظام قدرت می‌خواهد. اینکه یک آدم گردن کلفت بیاید برنج را احتکار کند و این طور سفره مردم را خالی کند، این دستیار درجه یک امریکا و اسرائیل است. باید با او برخورد بشود و او را براندازیش کنند، امریکا ما را تهدید به جنگ می‌کند. یک گردن کلفتی اینجا دستش را گذاشته در دست امریکا، در مقام جمع‌آوری ثروت و دارایی برای خودش است، سفره

مردم را تحت فشار می‌گذارد. او را نباید آزاد گذاشت: رئیس قوه قضاییه رسماً اعلام کرده و به تمام دستگاه‌های قضایی، هم تشکیلات قضایی و هم تشکیلات امنیتی و انتظامی، به فرمان رئیس قوه قضاییه باید پیروی کنند، گفته: «هرکس در این مملکت هر قدمی بر ضد معیشت مردم بردارد، دستیار دشمن است و با او برخورد بشود. به عنوان یک رفیق آمریکایی و اسرائیلی، با او برخورد شود». این مسئله‌ای نیست که عزیزان ما در مسئولیت‌ها کوتاهی کنند. با حرکت‌های جهادی، مسئله قابل حل است. جلوی فساد را بگیرند و جلوگیری از فساد هم کار سختی نیست، به خوبی می‌شود. ما بحمدالله، نظام مقتدری داریم. در این جامعه از خود گذشته و فداکار در راه دین و خدا، یک گردن کلفت خدا شناس نابکار پیدا بشود، شریک امریکا و اسرائیل شود، به سفره مردم حمله کند و او را آزاد بگذارند، این درست نیست. این مسئله قابل حل است. راه نجات هست. مسئله قابل حل است. افرادی که مسئولیت قبول کردند، میدان جهادی حرکت کنند و در حل مشکل معیشت مردم بکوشند تا مردم از این فشار نجات پیدا کنند.

عامل دومی که دشمن می‌خواهد زیر پای جوان ما را خالی کند و جوان را از عرصه دفاع از نظام کنار بکشد، «توسعه منکرات شرعی» و «توسعه فحشا و بی‌بندوباری» است. ما امروز در مسئله بی‌بندوباری‌ها و در مسئله خطری که متوجه نسل جوان و نوجوان ما هست، در دو عرصه روبرو هستیم: یکی در عرصه فضای مجازی. خوب، اینکه بر تولید محتوای فضای مجازی نظارت نشود، بگوییم آزاد است، ما در مملکت داریم زندگی می‌کنیم! همه دزدها آزاد باشند؟ همه آدم‌کشها آزاد باشند؟ بابا! این محتوایی که در فضای مجازی دارد پخش می‌شود، به طور آزاد و هیچ نظارتی هم ندارد، از آزادی دزدها و آدم‌کشها در این مملکت بدتر است. در مقام تولید و انتشار کلیپ و تصاویر هنجارشکنانه‌ای که در فضای مجازی دارند پخش می‌کنند.

بابا! این موبایل شما دست بچه سه ساله‌تان است، دست بچه دو ساله‌تان. این بچه، این دختر جوان، دختر نوجوان، اصلاً بیاید با این مناظر، با این تصاویر

آتش نشانی الان می آید و خاموش می کند!

یا خودتان خاموش می کنید؟

مملکت ما به این صورت درآمد. مسئله فرهنگی ما به این شکل هست الان، همه جا آتش گرفته. همه باید بلند بشوند و آتش را خاموش کنند. نه اینکه بگویند ما که مسئول نیستیم بایستیم همه چیز بسوزد! و همه چیز از دست برود!

مسائل کشور همگه قابل حل است

عزیزان! ما نمی توانیم بگوییم در مملکت، مسائل قابل حل نیست. همه این‌ها قابل اصلاح هست. منتها آنچه مهم است، حرکت جهادی است، احساس کامل مسئولیت در برابر خداست.

من به یک آقای سفارش کردم، پیغام دادم، گفتم: «عزیز من! از روزی که تو این حرف را زدی، بدان در این کشور، هر روستی و چادری که از سر برداشته شود، گناهش را خدا در نامه عمل تو می نویسد.»

این طور نیست حساب و کتاب دارد. یک عده ای تو این مملکت خون بدهند، جان بدهند، جوان‌های ما، فدایی بشوند، قربانی بشوند، آقا در این جنگ ۱۲ روزه، نیروهای هوافضا، این نیروهای هوافضا نوع فداکاری اینها چطور بوده است؟ برای خارج کردن یک موشک با لانچر، می دیدند که دو سه نفری همه پودر می شوند، خاکستر می شوند، پشت سرش دو سه نفر دیگر می آمدند. اینها اینطور فداکاری کنند، جان بدهند، عزیزانشان داغ ببینند. بعد یک عده هم در این مملکت آزادانه انواع مفاسد را انجام بدهند و در مقابل او، دیگران احساس هیچ مسئولیتی نکنند؟ نتیجه



هنجارشکنانه، بی عفتانه‌ای که در این فضای مجازی دارد پخش می شود و هیچ کس هم جلودارش نیست، در اختیار نسل نوجوان و جوان باشد؟ ما می خواهیم پایه نظام را در آینده از این نوجوانان تأمین کنیم که این طور بار بیایند؟ از همه بدتر، در بزرگسالان، ترویج فرقه گرایی، علوم ماورایی، از جن و جادو و سحر و اینها حرف زدن، افراد را گول زدن، کلاهبرداری کردن. گذشته از تجاوزات و خسارت‌های شدید مالی که در این فضای مجازی دارد وارد می شود، به کلی کسی ناظر نیست. خوب، این فضا بزرگترین آفت است.

و مسئله دوم، مسئله فیلم‌ها و رسانه‌های خانگی است. برادران، خواهان! این طور نباشد که شما از بازار، هر فیلم و سریالی که صادر می شود، بیاورید در خانه پخش کنید. در اینجا آموزش دخانیات داده می شود. مادر و پسر با هم می نشینند سیگار بکشند. مادر و دختر بنشینند مخدرات مصرف کنند! مشروب خواری با فجیع‌ترین وضع در این رسانه‌ها و در این فیلم‌های خانگی نشان داده می شود. بی عفتی‌ها، عدم رعایت محرم و نامحرم، پرده برداری از اتاق خواب‌ها در این فیلم‌ها و سریال‌های خانگی، در مقابل چشم جوان و نوجوانی که در بحران شباب و در بوران غریزه جنسی است. آیا خطر و ضرر و جنایتی بدتر از این نسبت به جوان وجود دارد؟

آخه دستگاه‌های مسئول چرا جلو این رسانه‌ها را نمی گیرند؟ فیلم‌های خانگی باید کنترل شوند. این مملکت باید آزاد باشد! آزادی تا چه حد؟! آزادی در حیوانیت؟ آزادی در وحشی‌گری؟ آزادی در جنایت و خیانت، اسمش آزادی است؟!

با مسئله بی حجابی مبارزه کنید، جلوی بی حجابی را بگیرید. نگرفتید. جلوی بی حجابی را نگرفتید، بی حجابی به برهنگی کشیده شده. الان خیابان‌های ما این طور شده. دیگر عزیزانی که مسئولند، چه در دستگاه‌های قضایی، چه در دستگاه‌های اجرایی، چه در نیروی انتظامی، چه در دستگاه‌های امنیتی، واقعاً احساس هیچ گونه خطری با این وضعیت نمی کنند؟ شما اگر یک جایی ببینید دارید رد می شوید، یک خانه آتش گرفته، کنار می ایستید، می گوئید بگذارید ماشین



یک حرکت جهادی و با یک قدرت و فعالیت کاری فوق العاده که انشاءالله عزیزان مسئول ما در این جهت، کوچکترین مضایقه‌ای نداشته باشند.

خدایا! به عزت اولیائت، این عزتی که به خون شهدا نصیب و روزی ما کردی، این عظمتی که برای مردم ما به خاطر وابستگی شان به ولایت اهل بیت علیهم السلام در دنیا به وجود آوردی، این عزت و این عظمت را به عزت و عظمت اسلام و مسلمین پروردگارا! در نقطه فرج و ظهور مولایمان بقیه الله علیه السلام را هرچه زودتر متصل بفرما. پروردگارا! انواع گرفتاری‌ها و سختی‌هایی که خدای نکرده رگ مقاومت مردم ما را در برابر دشمن تضعیف کند، از سر این ملت، از سر این مردم برگردان.

ارواح مطهره شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پایمردی مردم ما در پای ستون خیمه این نظام، خوشنود و راضی برگردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری را بر سر ما مستدام بدار.

دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار را ذلیل و نابود و ریشه کن برگردان.

خدایا! برای مرتبه دوم از تو تقاضا می‌کنیم، نه به اعمال ما، نه به کردار ما، نه به گناهان ما خدایا! به آن لطف و فضل و مرحمتی که تو تا به امروز بر همه بندگان داشتی، و به آن فضلی که بر همه ما تا الان ارزانی داشتی، پروردگارا! باران رحمت را بر ما نازل بفرما.

آن، عذاب خداست. عذاب الهی باعث باران نباریدن می‌شود. پس این همه نماز میخوانیم پس چرا باران نمی‌بارد؟ بخاطر همین باران نمی‌بارد.

آن کسی که باید جلوی فساد را بگیرد، نمی‌گیرد. خدا بر او غضب می‌کند. در جامعه، به مردمی که بی‌بندوبارانه، آزادانه، این همه فسق و فجور انجام بگیرد و کسی صدایش در نیاید، خدا بر این مردم غضب می‌کند. مایه حیاتشان که آب شان باشد را خدا قطع می‌کند.

در مقابل این همه امدادهای غیبی که خدا به ما عنایت کرده، این‌طور ناشکری در مقابل خدا، این‌طور نافرمانی در برابر پروردگار، یا آزاد گذاشتن نافرمانی‌ها، نتیجه آن نزول عذاب الهی بر ما است.

خدا با هیچ‌کس قوم و خویشی ندارد. هر بنده‌ای که بنا شد در مقابل فرمان خدا، در انجام تکلیف شرعی و تکلیف اجتماعی و مدنی خودش، هر بنده‌ای بخواهد شانه خالی کند، این مغضوب خداست. هرکس می‌خواهد باشد.

و لذا باید ما توجه کنیم. عزیزان! از مسئولین خواهش می‌کنیم، از همه اقتدارشان استفاده کنند، در مقابل این ناروایی‌ها بایستند. از طرفی هم در مقابل تأمین معیشت مردم، با همه قدرت کار کنند. این مشکلات اقتصادی که به سراغ خانواده‌ها آمده، سفره‌های مردم را گرفته، یک مشکلات خیلی کوچک و خیلی ساده‌ای است، که قابل حل شدن است. فقط یک بینش جهادی می‌خواهد،



ادامه راه شهدا

دنیا لهی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود.

ع.ح.س